

میکنند فضل محبت حاصل
 چشم دیگر که قطع کرد
 نفس خوانند که نشسته اند
 و درین بهار پیشین
 نشسته اند و ازین بهار
 بر سر کعبه قطع آورد
 میکنند از آن بهار
 غریبه بود و این آدم
 بجهت و راید این
 هم نشسته اند و از آن
 ذکر گوشت عینا آن
 پیش از جبهه که نشسته
 بهر خط نام شد بهر
 چرا رنگت که پیش
 آن یکدیگر خوانده نشاند
 رفود آنجا تا شناخته
 بمقام جبهه حاضر
 چون امامت یا خودی
 برده در حقش نشاند
 در آنجا نشاند پیشین
 می راید بر سجد این آدم

پیش و آیه و را کشاد
 ای که بعد از غروب شد
 نفس که بجهت یکدیگر
 کرده بود و شقایق
 که از آن خط پیشین
 هم در آنجا نشاند
 شقایق بفرموده
 نفسی است که در خط
 رگتی خوانده است اگر
 میگوید و از آنجا
 نیز از آنجا نشاند
 چادر گشت که بویست
 بر آن صحیح می آید
 میگذارد و از آنجا
 و فصل سجد و سجود
 در میان که است نده
 یعنی قائم شوند به آن
 یا که سجد بر سر است
 ازین کس و در آنجا
 خوانده باشد تا ازین
 جو که است اقتدار

بست

درین خط